

کارکرد اصلی اعتقاد به حیثیت التفاتی چیست؟

عضو هیئت علمی پژوهشگاه فرهنگ و ارشاد اسلامی بیان کرد:



عضو هیئت علمی پژوهشگاه فرهنگ و ارشاد اسلامی بیان کرد: کارکرد اصلی حیثیت التفاتی این است که برای ما ابزار مفیدی را فراهم می‌آورد که به کمک این ابزار می‌توانیم رفتارهای دیگران را تبیین و تحلیل کنیم و بگوئیم اگر فلانی اینکار معقول را انجام می‌دهد به خاطر این است که حیث التفاتی دارد.

به گزارش خبرنگار ایکن، نشست علمی «سیستم های التفاتی و ابزارانگاری دنیل دنت» امروز شنبه ۲۲ تیرماه از سوی پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی برگزار شد. حجت الاسلام والمسلمین علیرضا قائمی‌نیا، عضو هیئت علمی پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، در این نشست سخنرانی کرد که در ادامه می‌خوانید:

در فلسفه ذهن، به طور گسترده از حالات ذهنی بحث می‌شود اما سؤالی که برای دنیل دنت وجود دارد این است که ما باید چه نوع نگاه متکاملی از ذهن و حالات ذهنی داشته باشیم؟ این هدف اول بنت است که می‌خواهد مفهومی بسیار متکامل از ذهن ارائه دهد. علاوه بر این تلاش می‌کند مدلی از اینکه ما در زندگی روزمره چگونه رفتارهای دیگران را تفسیر می‌کنیم ارائه دهد. همچنین می‌خواهد مفهوم ذهن و حالات ذهنی را برای ما روشن کند. از سوی دیگر می‌خواهد پایه و اساسی برای درک طبیعت گرایانه از همه پدیده های ذهنی ارائه دهد. موضوع دیگر فعالیت دنت این است که می‌خواهد یک روش شناسی برای علوم شناختی به کمک نظریه خود ارائه دهد و بگوید علوم شناختی باید چگونه عمل کند.

نقدهای جدی به نظریه دنت

نظریه ای که دنت ارائه می‌دهد هسته اصلی برنامه پژوهشی وی را تشکیل می‌دهد لذا این نظریه مورد نقدهای جدی هم قرار گرفته است. در ابتدا تلاش می‌کنم توضیحی اجمالی از این نظریه ارائه دهم تا ببینیم این نظریه چگونه عمل می‌کند. این نظریه با یک آزمایش ذهنی شروع می‌شود. در دهه ۱۹۷۰ اختلاف نظر وجود داشت که آیا کامپیوتر می‌تواند مثل انسان، بازی شطرنج انجام دهد یا خیر؟ آن موقع عده ای موافق این موضوع و عده ای نیز مخالف آن بودند اما یک دهه طول نکشید که برنامه های بازی شطرنج تهیه شد و تا الان فقط یک بار گری کاسپاروف توانسته کامپیوتر را شکست دهد. دنت در سال ۱۹۸۱ مقاله ای نوشته که این مثال را در آن ذکر کرده است و می‌گوید فرض کنید در حال بازی شطرنج با یک کامپیوتر هستید که این کامپیوتر بر اساس داده های قبلی، مسیر را پیدا کرده و رفتاری مبتنی بر عقلانیت خاص و اختیار و آزادی انجام می‌دهد و حرکت های بعدی را پیش بینی می‌کند.

از نظر دنت، اگر ما بخواهیم رفتار کامپیوتر را تبیین کنیم با سه وضعیت متفاوت رو به رو هستیم لذا باید در این سه وضعیت دقت کافی داشته باشیم. وی اسم وضعیت اول را وضعیت طراحی می‌گذارد. ما در این وضعیت فرض می‌گیریم برنامه ای که کامپیوتر داده شده که با الگوریتم های خاصی اجرایی می‌شود و کامپیوتر می‌تواند با کمک این برنامه، حرکت های رقیب را تشخیص داده و حرکاتی را متناسب با آنها انجام دهد. در واقع هسته اصلی این وضعیت این است که کامپیوتر می‌تواند صرفا بر اساس اطلاعات و پیش فرض هایی که دارد پیش بینی هایی انجام دهد و ما هم تلاش می‌کنیم همین رفتارها را بر اساس برخی از پیش فرض ها و اطلاعات پیش بینی کنیم.

شیوه استفاده دنت از حیث التفاتی

وی اسم وضعیت دوم را وضعیت فیزیکی می‌گذارد. منظور این است که ما رفتارهای کامپیوتر را بر اساس برنامه تشخیص نمی‌دهیم بلکه بر اساس عناصر فیزیکی که کامپیوتر دارد، سخت افزار کامپیوتر و نحوه عملکرد آنها را بررسی و تحلیل می‌کنیم تا به وسیله آنها نتیجه بگیریم عملکرد کامپیوتر چگونه خواهد بود. دنت، اسم وضعیت سوم را وضعیت التفاتی می‌گذارد که ما فرض می‌گیریم کامپیوتر هم مجموعه ای باورها و معرفت و حیث التفاتی دارد و اراده و انتخاب می‌کند. این معقول ترین حالت است. ما انسان ها هم وقتی می‌خواهیم رفتار دیگر موجودات را تبیین کنیم فرض می‌گیریم که آنها حیث التفاتی دارند در حالی که کارکرد اصلی حیثیت التفاتی این است که برای ما ابزار مفیدی را فراهم می‌آورد که به کمک این ابزار می‌توانیم رفتارهای دیگران را تبیین و تحلیل کنیم و بگوئیم اگر فلانی اینکار معقول را انجام می‌دهد به خاطر این است که حیث التفاتی دارد اما واقعیت این است که بر اساس این دیدگاه ها، حیث التفاتی وجود ندارد.

باید دقت کنیم که این مثال برای دنت موضوعیت ندارد بلکه وی می‌خواهد مدلی را برای فهم دیگران و تبیین رفتار آنها استخراج کند لذا بحث اصلی دنت، تبیین رفتار کامپیوتر نیست بلکه می‌خواهد ابزارانگاری را برای ما تشریح کند و بگوید آن چیزی که وجود

دارد صرفاً رفتارهای معقول ماست و اگر حیث التفاتی را وارد میدان می‌کنیم برای این است که ابزار خوبی است که بر اساس آن رفتارهای دیگران را درک کنیم. بنابراین اگر در علوم شناختی، مواردی نظیر ذهن انسان یا حیوان یا کامپیوتر و هوش مصنوعی را بررسی می‌کنیم باید این حیث التفاتی را صرفاً ابزاری مفید در نظر بگیریم اما در عرصه واقعیت چنین چیزی وجود ندارد. نقد روانشناسی عامیانه

لازم است به دو نکته اشاره کنم. اول اینکه دنت با اینکار به یک معنا دنبال نقد روانشناسی عامیانه است. روانشناسی عامیانه، ماجرایی مهم در روانشناسی است و منظور این است که در زندگی روزمره و حتی آنجا که نگاه تقلیل‌گرایانه نداریم، یکسری مفاهیم روانشناختی عامیانه همانند باورها، تجربیات و حالات را داریم، آنهایی که فیزیکالیست هستند و حالت‌های ذهنی را قبول ندارند با این سوال مواجه شده‌اند که چگونه روانشناسی عامیانه را تحلیل کنند لذا دیدگاه‌های مختلفی در میان آنها درباره روانشناسی عامیانه وجود دارد. بنابراین شاید بتوانیم بگوییم هدف اصلی و اولیه نظریه سیستم‌های التفاتی، همان روانشناسی عامیانه است. نکته دوم اینکه ما دیدگاهی در فلسفه ذهن با عنوان حذف‌گرایی داریم که قائلان به این نظریه، وجود حالات ذهنی را نمی‌پذیرند و کارکردگرا هستند. دیدگاه اینها تقریباً با دیدگاه دنت، یکی است اما نحوه تقریر آنها فرق دارد بلکه هر دو می‌خواهند دستاوردهای فلسفه و عصب‌شناسی را همخوان کنند.

لازم به ذکر است که به نظر دنت، کامپیوتر حیث التفاتی دارد اما به معنایی که خودش در نظر می‌گیرد. در چنین تحلیلی، ما کامپیوتر را می‌بینم که دارد به خوبی شطرنج بازی می‌کند لذا ملاک انتساب دقیق یک مفهوم، این است که رفتارهای یک موجود به نحو دقیقی از وی سر بزنند به همین دلیل است که برخی می‌گویند کامپیوتر هم حیث دارد چون کارش را به درستی انجام می‌دهد. از نظر دنت، ملاک انتساب مفاهیم به یک موجود این است که بتوانیم رفتارهای آن را تبیین کنیم و مثلاً فرض می‌گیریم کامپیوتر حیث التفاتی دارد لذا رفتارهای آن را تبیین می‌کنیم.

برخی نقدها هم به نظریه دنت وجود دارد و حتی چند کتاب در این زمینه نوشته شده است. یکی از مهمترین نقدها در مورد خود حیث التفاتی است؛ برای مثال تجربه در خلا اتفاق نمی‌افتد و تجربه برای خودش متعلق دارد بنابراین تحلیل خود تجربه هم نشان می‌دهد حیث التفاتی، وجود دارد لذا باید حیث التفاتی را واقع‌گرایانه دیده و تحلیل‌های عصبی را در پرتو آن تحلیل کنیم. نقد دیگر این است که تئوری‌های رقیب را مطرح کنیم و مثلاً بگوییم اینکه کامپیوتر رفتار معقولی را انجام می‌دهد اما ممکن است برخی دیگر از کارها را هم انجام ندهد و مثلاً کامپیوتر توان تولید فرضیه ندارد لذا اینکه ملاک داشتن حیث التفاتی یک موجود را انجام صحیح رفتارهای از سوی آن بدانیم نیز زیر سؤال می‌رود.